

تمایش را ندارد.
او عقیده خود دربارهٔ رسالت تلویزیون را چنین بیان می‌کند:

«تلویزیون به عنوان یک پدیده فرهنگی می‌بایست در برگیرنده رسانهای خاص خودش در مقام آموزش و گسترش فرهنگ باشد اما پاره‌ای از برنامه‌های تلویزیونی گویا رسالت خود را فراموش کرده‌اند، لذا بایستی تجدیدنظری در مورد ساخت و تولید برنامه‌های تلویزیونی اعمال شود. در تلویزیون ما هنوز فرهنگ لاله‌زاری حاکم است و مؤلفه‌های فرهنگی کم‌رنگ شده است. یادمان نرود که یکی از شمارهای تلویزیون و برنامه‌سازان این رسانه مقابله با تهاجم فرهنگی است اما متأسفانه برنامه‌های این رسانه نه تنها با تهاجم فرهنگی مقابله نمی‌کند بلکه بیشتر به تهاجم دامن می‌زند.»

مختاری در پاسخ به این سؤال که مگر ما تلویزیون را دانشگاه نمی‌دانیم چنین پاسخ می‌دهد:

«اگر ما تلویزیون را یک دانشگاه تصور کنیم، برنامه‌هایی که در آن ساخته می‌شود و به تعبیر بهتر دروسی که تدریس می‌شود، مخصوص سنین پیش دبستان است یعنی تا این اندازه سطح فکر مخاطب پایین فرض می‌شود و برنامه‌سازان تصور می‌کنند مخاطبان ما بسیار ساده‌انگار هستند در حالیکه استقبال از برنامه‌های مثل «خاله خانم» به نشان موفقیت و توفیق این برنامه نیست بلکه مخاطب از سر ناچاری به این برنامه روی آورده است و نه از سر اختیار و انتخاب...»

محمد صالح‌علا (کارگردان و تهیه‌کننده تلویزیون) تلویزیون را در آستانه قرن ۲۱ مهم‌ترین پدیده قرن می‌داند و در رابطه با پیامدهایی که تغییرات مداوم در سیستم‌های تلویزیونی کشور دارد، می‌گوید: «مشکلات فنی و سیاست‌های سرمایه‌سالانه کارخانجات سازنده ابزار پیچیده سیستم‌ها و تغییرات پی‌درپی این سیستم‌ها از مهم‌ترین مشکلات تلویزیون ما می‌باشد که به سهم خود صدمات بزرگی به برنامه‌ریزی تکنیکی در شبکه‌های متعدد وارد می‌سازد. البته این شکلی است که نه در ایران بلکه همه سالک دنیا مجال بروز پیدا می‌کند چرا که هر روز سیستم‌های جدیدتری جانشین روشهای قدیمی‌تر می‌شود. ناچار تغییر دستگاهها یا مماشات با سیستم‌های قبلی هزینه کلانی را می‌طلبد.»

او درباره نحوه آموزش متخصصان برنامه‌ساز در دانشکده‌های هنر برای تأمین نیروی سازمان می‌گوید:
با تربیت نیروی کارآمد و حتی‌الآمر از بزرگترین مشکلات برنامه‌سازی در شبکه‌های ما به شمار می‌رود. بنظر من دانشکده‌های هنری هیچگونه همکاری نتیجه‌بخش و عملی با سازمان صدا و سیما ندارند. نباید فراموش کنیم که تلویزیون نیازمند حضور هنرمندان حرفه‌ای است و تجربه کردن در تلویزیون جایی ندارد. ما شاهدیم که تاکنون حدود سی - چهل سال است که از تأسیس دانشکده‌های آموزش هنری می‌گذرد طبق آمارهای که شخصاً جمع‌آوری کرده‌ام به این پیش‌بینی رسیدم که اگر هر دانشکده - محفل نمونه - سالی ۲۰ کارگردان به جامعه هنری تحویل دهد این رقم در سی سال به ۶۰۰ نفر می‌رسد. پس مناسبت با رقم اخیر ما بایستی پس از سی سال ۶۰۰ نیروی کارآمد در سیما داشته باشیم در حالیکه این سازمان هنوز فاقد تعداد کافی نیروی متخصص در امر تولید است. گناه دیده می‌شود که هنرآموزان آموزشکده‌های خصوصی به مراتب حرفه‌ای‌تر و متخصص‌تر از دانشکده‌ها آموزش می‌بینند این نکته را در

مرحمت فرموده ما را مس کنید...

آن شب در قطار



اصولاً ساخت برنامه برای «اشل» تلویزیونی، جدا از لزوم تسلط بر تکنیکهای ابزاری وقتی، یحتمل دسترسی به قالب و چارچوب مناسبی را برای انتقال مفاهیم از پیش تعیین شده به صورت نمادها بصری می‌طلبد.

در این میان گذشته از تعاریف و شاخصه‌های متفاوتی که برنامه‌سازان برای بازتاب دیدگاههای خود و نیز مسوولان این رسانه در مقام تصمیم‌گیرنده، ارائه می‌دهند آنچه انکار آن ناممکن است خط بصری، سیمی و عاطفی است که مخاطب اعم از خاص یا عام، به واسطه نمادهای گفتاری و دیداری از آن برخوردار نمی‌شود. عواملی چون استمرار، قابل لمس بودن، سهولت، ارزانی و نیز صرفه‌جویی در وقت به عنوان مهم‌ترین مزیتها و شاخص‌های این ماشین به شمار می‌رود که موجب شده میان او و مخاطب نزدیکی و خوب فراوانی به وجود آید. گرچه نباید فراموش کرد که عمومیت این ابزار، به نسبت شیوهای فراوان در مخاطبین خود با تعدد سلاقی، تفکرات، ایده‌ها، فرهنگها و خواستها بیش از پیش روبروست. لذا برنامه‌سازی در این قالب کار چندان ساده‌ای بنظر نمی‌رسد. گرچه برای گریز از این تنگنا مسوولان سعی کرده‌اند شبکه‌های متعددی را با اهداف و رسالت‌های خاص و متفاوتی برای انتشار گوناگون، طراحی و راه‌اندازی نمایند اما این در حالی است که در حال حاضر ما از کمترین قوای مالی و تخصصی در امر برنامه‌سازی - چه در کمیت و چه کیفیت - برخورداریم. پس لازمه برنامه‌سازی برای ۵ یا ۶ شبکه بطور مداوم که برخی نیز در معرض شبانه‌روزی شدن قرار گرفته‌اند، این است که همین کمترین با تقسیم‌بندی‌های متعدد در کنار برخورداری از برخی نیروهای فاقد تخصص قادر باشند حجم انبوهی از برنامه‌ها را تولید و روانه آنتن کنند.

حال برای شناخت و نقد برنامه‌های چنین رسانه‌ای (که اینجا فقط حکم ابزار بودنش صادق است و لاغیر...) می‌توان به مخاطبین آن مراجعه کرد. با یک بررسی و پرس و جوی مجمل به این نتیجه می‌رسیم که جوانان به خصوص افراد مجرد کمترین رقم بینندگان تلویزیونی را به خود اختصاص داده‌اند و متاهلین و نیز میان سالان بیشترین رقم را...

پس واضح است که در کشوری که عموم جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، تلویزیون کمترین جایگاه تفریحی و سرگرمی و در یک دید خوش‌بینانه (آموزشی و فرهنگی) را دارد. این در حالی است که سیاست‌گذاران از گسترش پدیده‌های بنام ویدئو و ماهواره هراسان هستند.

جالب آنکه برنامه‌سازان تلویزیونی خود، همواره عملکرد این دستگاه را در موارد متعدد بسیار ضعیف شمرده‌اند و خود در شمار کمترین بینندگان تلویزیونی قرار

از طلا بودن پشیمان گشته‌ایم

مرحمت فرموده ما را مس کنید

تب ساخت سریال‌های داستانی و ترکیبی این روزها در میان برنامه‌سازان بیش از پیش بالا گرفته است به گونه‌ای که هر پنج شبکه روزانه بیش از یک و یا دو مجموعه را در تأیید ۱۵ تا ۴۵ دقیقه روانه آنتن می‌کند و جالب آنکه همه آنها از عشق، محبت، دوستی، ازدواج، پاک‌سازی هوا، زیباییهای شهر تهران و بدور ریختن قهرها و دشمنی‌ها می‌گویند و الوی آخر...

به عقیده «حسین مختاری» (کارگردان تلویزیونی)، هیچکدام از برنامه‌های تلویزیون ما شرایط خاص و مطلوب



شاخ کاو

وظیفه‌ای سخت است که با توجه به مشکلات و امکاناتی که برنامه‌سازی ما چه به لحاظ مادی و چه معنوی با آن روبروست. با این وجود تلاشهای دست اندرکاران قابل تقدیر است. اگرچه هنوز فاصله زیادی میان آنچه باید باشیم و آنچه هستیم، احساس می‌شود. بیرنگ در پاسخ به این سوال که، آیا تلویزیون ما توانسته تمام اوقات فراغت مخاطبین خود را پر کند؟

می‌گوید: خیر. هنوز بینندگان ما در طول هفته احساس می‌کنند که خواسته‌های آنان آن طور که باید برآورده نمی‌شود و هنوز تلویزیون نتوانسته آن جمیع جادویی باشد که می‌تواند همه چون سایر نقاط دنیا، اوقات فراغت مردم را به خوبی پر کند و هنوز برنامه‌ها در شکلی قرار دارند که تمام امکانات و ویژگیهای یک برنامه را با خود همراه ندارد که یقیناً بررسی نقاط ضعف و قدرت و همین طور ارزیابی کمی و کیفی آنان محتاج فرصتی طولانی و کارشناسانه است که حتماً یا توجه بیشتر مدیران محترم سیما به شناخت نیازها، تعیین اهداف و یافتن راههای مناسب و مطمئن در زمینه برنامه‌سازی همچون بکار گرفتن افسراد متخصص، هنرمندان ارزشمند، روان‌شناسان و کارشناسان اجتماعی به عنوان مشاورین برنامه‌سازی و نیز در اختیار قرار دادن امکانات مادی مناسب به دست اندرکاران امکان بهتری برای برنامه‌سازی در سیما فراهم خواهد شد.

تنها در یک مقاله کوتاه نمی‌توان «جنبه‌های فعالیت‌های تلویزیونی را مورد بررسی قرار داد. اما می‌توان امیدوار بود که مسوولان سیما پیش از پیش به اهمیت این رسانه و لزوم برنامه‌ریزی کلان و مناسب برای ساخت برنامه‌های بهتر، تکیه نمایند.

همکاران دست اندرکار تولید و چه مسئولین. چرا که اکثراً این مجموعه‌ها از ریتمی کند و کشدار تبعیت می‌کند و در آنها کمترین بهره‌برداری و شاید هیچگونه بهره‌برداری از تکنیک‌های تصویربرداری صورت نمی‌گیرد. بدون هیچ ریتم و زحمتی دقیق بسیاری از سریالها صرف نماهای طولانی با گفتگوی دو یا چند نفر شده و کمترین جذابیت تصویری و دراماتیکی در آنها دیده می‌شود که این نشان کم‌کاری و بعضاً سهل‌انگاری برنامه‌سازان است.

محسن شامحمدی (نویسنده و کارگردان تلویزیون) از ابراز عقیده در زمینه کم و کیف برنامه‌های تلویزیونی خودداری کرده و می‌گوید: چون من به عنوان کارگردان در این رسانه هم کاری دارم، لذا چندان درست نیست که کار دیگر همکارانم را نقد کنم چرا که در آخر جز بیان نکته‌های منفی، به هیچ پیامد مثبتی برخورد نکرده‌ام. او در پاسخ به این سوال که چرا شما ترجیح می‌دهید سکوت کنید می‌گوید:

«از آنجا که همکاران سیما اغلب تازه از راه رسیده و یا از بچه‌های سیما هستند لذا شاید انتقاد از آنها توسط افرادی چون من که از سالها پیش در امر برنامه‌سازی (سریال) فعالیت داشته‌ام، تداعی نوعی تنگ‌نظر شود.

بیژن بیرنگ (نویسنده و کارگردان تلویزیون) جایگاه تلویزیون در کشور را مورد تأیید قرار می‌دهد و در رابطه با اینکه تکیه کردن به منابع برنامه‌سازی داخلی در تلویزیون چه پیامدهایی به همراه دارد چنین توضیح می‌دهد:

«بنظر من برای تلویزیونی که قصد دارد با کمترین تکیه به تولیدات خارجی (که اکثر تلویزیونهای دنیا بیشترین برنامه‌های خود را از چند کشور تأمین می‌نمایند) و با تکیه به ارزشها و معیارهای ملی و مذهبی خود، این امر

حالی اذعان می‌کنم که خود از فارغ‌التحصیلان یکی از همین دانشکده‌ها هستم پس قصد تخطئه زمینه آموزش دانشکده‌ها را ندارم.

بهر روی عدم همکاری سیستم آموزشی در دانشکده‌ها و فراهم نکردن نیروی کارآمد مشکلات برنامه‌سازان را چند برابر می‌کند.

صالح علاء‌جدا از آموزش، مشکل برنامه‌سازی را این چنین مطرح می‌کند. من به عنوان کسی که سالانه حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار دقیقه در صدا و ۵ تا ۶ هزار دقیقه در سیما برنامه تولید می‌کنم، ضمن اینکه همواره از کارهای خودم ناراضی و ناخشنود بوده‌ام، ضعف برنامه‌سازی را در برنامه‌ریزی خود ما و حمایت تهیه‌کننده خلاصه می‌دانم. بهر حال تلویزیون ما تا رسیدن به ساختار آرمانی که حق فرهنگ ماست فاصله‌ای دور دارد و طی این فاصله ممکن نیست مگر با اتفاق و تعاون همه دست‌اندرکاران.

آزادان تهیه‌کننده و کارگردان تلویزیون بر روی کیفیات متعدد برنامه‌ها تأکید دارد و با ارائه یک نقد کلی از زمینه برنامه‌های سیما چنین می‌گوید:

«به عقیده من برخی برنامه‌ها ممکن است خوب باشد اما برخی دیگر مطلوبیت لازم را نداشته باشند. بهر حال آنچه مهم است این است که ما تا رسیدن به سیاستهای مطلوب برنامه‌سازی راه درازی را باید طی کنیم و مسئولین نیز بایستی در برنامه‌ریزیها و سیاست‌گذاریها کیفیت برنامه‌ها را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند.

اکبر خواججویی (کارگردان تلویزیون) با اشاره به ضعف در سریال‌سازی به سریال‌سازی خصوصاً در قالب داستانی در کشورمان اشاره می‌کند.

در نگاه اول بنظر می‌رسد که ساخت سریال در تلویزیون بسیار دست‌کم گرفته شده است چه از سوی